Ulumhadith
Twenty- sixth No 3
Autumn (Sep- Dec 2021)

فصلنامه علمی علوم حدیث
سال بیست و شش شماره ۳ (پیاپی ۱۰۱)
پاییز، ص ۹۵ ـ ۱۱۳

فرایند آسیب‌شناسی سند احادیث[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

نفیسه شبیری[۲]

چکیده

از دیرباز دست‌یابی به احادیث صحیح وجهه همت دانشمندان شیعی بوده است. در این زمینه تلاش‌های علمی ارزنده‌ای برای کشف آسیب متنی و سندی احادیث صورت گرفته است. از علمای معاصر که برای کشف تحریفات اسناد حواشی عالمانه‌ای نگاشته، آیة الله العظمی شبیری زنجانی مد ظلّه است. این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی و با ارائه چند حاشیه از معظم له بر اسناد کتاب الکافی به تحلیل روش اختصاصی ایشان در حوزه کشف تحریفات اسناد پرداخته است. غالباً این شیوه با بررسی و مقایسه نسخ معتبرخطی کهن در یک سند آغاز، و سپس با مشاهده اختلاف و غرابت میان آن‌ها و حصول علم اجمالی به وقوع تحریف در سند و نهایتاً با تکیه به اصول و قواعد حاکم بر طبقات روات و محدثین و اقامه شواهد و مؤیدات، به کشف تحریف در سند می‌انجامد و شناخت این روش‌ها می‌تواند محققین را در استفاده از هوش مصنوعی در قلمرو کشف آسیب‌های اسناد یاری دهد.

کلیدواژه‌ها: آسیب اسناد حدیث، روش‌شناسی، آیة الله العظمی زنجانی، اصول الکافی.

درآمد

دست‌یابی به احادیث صحیح از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشمندان و محدثان شیعی بوده و از دیرباز تلاش‌های علمی ارزنده‌ای برای کشف آسیب‌های متنی و سندی احادیث صورت گرفته است. صرف‌نظر از تلاش‌های پراکنده محدثان و فقیهان امامیه در شناخت

۱. با تکیه بر حواشی آیة الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی مدّظلّه.

۲. استادیار، عضو هیات علمی مؤسسه آموزش عالی رهپویان سید الشهداء علیه‌السلام (n.shobeyri@gmail.com).

تحریفات اسناد،[1] نخستین پژوهش روشمند و فراگیر در این زمینه، کتاب منتقی الجمان تألیف شیخ حسن، معروف به صاحب معالم (م۱۰۰۹ق)، فرزند شهید ثانی است. وی به همراه خواهرزاده و دوست دانشمند خود، سید محمد عاملی، معروف به صاحب مدارک (م۱۰۱۱ق) از شاگردان ویژه محقق اردبیلی بودند.[2] محقق اردبیلی در کتاب مجمع الفائدة و البرهان موشکافی‌های گسترده در مباحث فقهی و مبانی آن صورت داده که چالش مشهورات محور آن بوده است؛ به طوری که در لابه‌لای آن نیز تردیدها و اشکالات جدی در اسناد و رجال حدیث دیده می‌شود. شاید این اشکالات شاگرد وی را به تکاپو انداخته و سبب شده که با ژرف‌اندیشی در کتب حدیثی و مقایسه جدی اسناد مشابه با یکدیگر، نظام جدیدی را برای دانش حدیث‌شناسی طراحی کند که از ارکان آن توجه به تحریفات واقع در اسناد و عوامل پیدایش آن است. کشف نقش غفلت از روش بنای اسناد بر اسناد پیشین در پیدایش سقط در مصادر متاخر،[3] اثر عدم دقت لازم در شناخت مرجع ضمیر در وقوع سقط در اسناد،[4] لزوم دقت در مرجع ضمیر[5] کشف منشأ اضمار در نام معصومان علیهم‌السلام[6] که در اعتباربخشی به احادیث مضمره نقشی تعیین کننده دارد،[7] منشأ تبدیل واو عطف به «عن» در اسناد، و تفکیک بین سائل که در سلسله اسناد روایت واقع نشده و راوی احادیث از جمله نتایج ژرف‌اندیشی وی در اسناد احادیث است. پس از منتقی الجمان، مهم‌ترین اثر سودمند در آسیب‌شناسی اسناد، کتاب جامع الرواة است که با بیان تفصیلی اسناد هر یک از مترجمین و ذکر راویان از آن‌ها زمینه کشف تحریفات سندی را فراهم کرده است. در جای جای این کتاب نیز بحث‌های ارزشمندی درباره اسناد تحریف شده دیده می‌شود. مرحوم آیة الله العظمی بروجردی نیز با تألیف آثار ارزشمندی در ترتیب اسانید و نیز نگارش حواشی

---

۱. از نمونه‌های این تلاش‌ها سخن شیخ صدوق در مشیخه فقیه، ج ۴، ص۵۱۳ درباره طریق وصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به محمد حنفیه است که در سند آن آمده است: علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابیه، عن حماد بن عیسی، عمن ذکره، عن ابی عبدالله علیه‌السلام. شیخ صدوق درباره این سند می‌گوید: یغلط اکثر الناس فی هذا الاسناد فیجعلون مکان حماد بن عیسی حماد بن عثمان، و ابراهیم بن هاشم لم یلق حماد بن عثمان و انما لقی حماد بن عیسی و روی عنه. این سخن پس از وی در کتاب‌های رجال و حدیث نقل شده است (ر.ک: رجال علامه حلی، ص ۲۸۱؛ رجال ابن داوود، ص۵۵۶ و ...).

۲. أمل الامل، ج ۱، ص۵۸.

۳. منتقی الجمان، ج ۱، ص۲۴، ۲۵۰، و...

۴. همان، ج ۲، ص۵۶۳.

۵. همان، ج ۱، ص۲۳۲، ۳۷۴، ۴۱۰.

۶. همان، ص۳۹

۷. همان، ص،۵۵، ۷۳، ۲۲۹.

عمیق و عالمانه بر اسناد احادیث، گام‌های استواری در شناخت آسیب اسناد برداشته‌اند. ایشان در مقدمه کتاب ترتیب اسانید الکافی، پس از اشاره به این آسیب‌ها و اسباب آن، به ارائه راه حل و کیفیت دست‌یابی به سند صحیح و تحریف ناشده پرداخته‌اند.[1] روش ترمیم سند بر اساس تتبع و بررسی اسناد مشابه در آثار آیة‌الله العظمی شبیری زنجانی نیز دنبال شده که حاصل آن تنظیم فهارس متعددی بر روی اسناد کتب حدیثی با دو روش ترتیب الاسانید و تعیین طبقات روات (راوی و مروی عنه) است.[2]

کتاب معجم رجال الحدیث نخستین اثر جامع برخاسته از این نگرش است. در این کتاب، ضمن تعیین طبقه هر راوی از طریق معرفی تفصیلی تمام راویان و مشایخ آن‌ها و نشانی دقیق روایات در کتب اربعه، در بخش «اختلاف الکتب» یا «اختلاف النسخ» به تفاوت مصادر و نسخ مختلف در نقل احادیث[3] و احیاناً ذکر عبارت صحیح اشاره شده است. این دو بخش به همراه بخش تفصیل طبقة الرواة ـ که نزدیک به نیمی از کتاب معجم رجال الحدیث را به خود اختصاص داده است ـ بهترین کمک‌رسان به پژوهش‌گران در شناخت آسیب‌هایی است که در اسناد احادیث از سوی مؤلفان یا ناسخان پدید آمده است.

از دیگر منابع ارزشمند در این موضوع، کتاب الأخبار الدخیله و مستدرکات آن، تألیف محقق رجالی علامه شوشتری است. محور اصلی این کتاب کشف تحریفات در اسناد کتب حدیثی است. وی همچنین در دیگر آثار خود، به ویژه در کتاب قاموس الرجال به بررسی تحریفات در کتب حدیثی و رجالی (به ویژه رجال الکشی) اهتمام جدی نشان داده است. بررسی کامل هریک از آثار پیش‌گفته نیازمند پژوهش‌های گسترده و نگارش مقالات مستقلی است.

با ورود رایانه به عرصه پژوهش‌های دینی و عرضه نرم‌افزارهای حدیثی گوناگون، از جمله برنامه‌های درایة النور، نرم‌افزار اسناد کتب صدوق و ... تحقیقات حدیثی به مسیر جدیدی راه یافت و بر سرعت و دقت پژوهش با استفاده شایسته از این نرم‌افزار به گونه خیره‌کننده‌ای افزوده گردید و پژوهش‌های سندشناسی تحول بنیادی یافت. در این میان، نیاز به بهره‌گیری از تکنیک‌های دانش هوش مصنوعی برای بالا بردن سطح علمی و فنی نرم‌افزارهای تخصصی رجالی به طور جدی احساس می‌گردد. دانش هوش مصنوعی یکی از علوم نوبنیاد

---

۱. تجرید الاسانید الکافی، ج۱، ص۳.

۲. با وجود شباهت بین ترتیب الاسانیدهای ایشان و ترتیب الاسانیدهای مرحوم آیة الله العظمی بروجردی این دو گروه به گونه مستقل و بدون اطلاع از یکدیگر تألیف شده‌اند.

۳. بر اساس شماره باب و رقم روایت در باب.

است که برای واگذاری پژوهش و فعالیت فکری به رایانه طراحی گردیده است. این دانش بر پایه ساده‌سازی پژوهش‌ها و تبدیل مکانیسم پیچیده یک فرایند فکری به عناصر اصلی و غیر قابل تجزیه استوار است.[1] پس از شناخت و واگذاری این عناصر اصلی به رایانه می‌توان دریافت که آیا رایانه توانایی شناخت و تحلیل این عناصر را دارا است یا خیر؟ بدیهی است بهره‌گیری از خیل عظیم نرم‌افزارها با تکیه بر کارآیی‌های پنهان آن می‌تواند نقش شگرفی در اتقان پژوهش‌های دینی ایفا نماید که بررسی آن خارج از موضوع این نوشتار است.

به طور کلی پژوهش‌های انجام گرفته بر روی اسناد احادیث از مراحل مختلف تشکیل می‌شود. هر دانشمندی در پژوهش خود مراحلی را، هر چند ناخودآگاه، می‌پیماید. با شناخت این مرحله و تبدیل هر مرحله به چند مرحله ساده‌تر می‌توان امید داشت که فرآیند پژوهش به عناصر اصلی تجزیه گردد، و از این طریق، امکان بازسپاری آن به رایانه و به دنبال آن، ترمیم اسناد مشابه فراهم آید. مقاله حاضر مقدمه‌ای است بر پژوهش‌های گسترده که در زمینه امکان بهره‌گیری از دانش هوش مصنوعی در سندشناسی باید انجام گیرد. روشی که در این مقاله اتخاذ شده می‌تواند بر روی پژوهش‌های عالمان رجال بارها آزموده گردد و از مجموع این تلاش‌ها نکته‌های مختلف مؤثر در پژوهش‌های سندشناسی کشف گردد. مقایسه این روش‌ها و ارزیابی نقاط قوت و ضعف هر یک می‌تواند ما را برای رسیدن به روش استاندارد پژوهش‌های سندشناسی یاری رساند.

آیة الله العظمی شبیری زنجانی از جمله عالمانی است که حواشی ارزشمند بسیاری بر اسناد کتب حدیثی نگاشته‌اند.[2] در این مقاله تلاش شده با انتخاب چند حاشیه ساده از حواشی ایشان بر اسناد کتاب شریف الکافی، روش تبدیل فرایند پیچیده و ترکیبی پژوهش به عناصر ساده‌تر نشان داده شود تا از این طریق زمینه بهره‌گیری از رایانه و هوش مصنوعی در فرآیند آسیب‌شناسی اسناد روایات فراهم گردد.

شایان ذکر است که هر پژوهش دارای دو مرحله انجام و تدوین پژوهش است و هر یک از آن دو از روش‌های متفاوتی پیروی می‌کنند؛ هر چند که در تدوین یک پژوهش ذوق و سلیقه شخصی پژوهش‌گر نقش اساسی دارد و شاید نتوان یک روش واحد را توصیه کرد.

در این مقاله شیوه پژوهش و تدوین حواشی معظم له در شناخت آسیب اسناد مورد

---

۱. کتاب الکترونیکی هوش مصنوعی، ص ۱۰.

۲. اکثر این حواشی هنوز به زیور طبع آراسته نشده و هم‌چنان به صورت مخطوط نگهداری می‌شوند.

بررسی قرار خواهد گرفت. از آنجایی که برخی از این تعلیقات بسیار طولانی و پیچیده است و بررسی آن‌ها خارج از حدود این نوشتار است. لذا تلاش شده است تا تعلیقاتی محور بحث قرار گیرند که از مراحل پژوهشی کمتری برخودارند تا بتوان تحلیل روشن‌تری از آن‌ها ارائه نمود، و از این رو هر تعلیقه به چند بند تقسیم شده تا رابطه مراحل پژوهش و مراحل تدوین پژوهش به گونه بهتری معرفی شود.

تحریف در سند احادیث

تحریف -که یکی از مهم‌ترین آسیب‌های سندی است - در لغت معادل منحرف ساختن و در اصطلاح به معنای هرگونه تغییر در کلام است.[1] از گونه‌های غالبی تحریف در اسناد روایات، تحریف لفظی است که ممکن است در یک سند از سوی مؤلف یا ناسخان کتاب به طور ناخودآگاه اتفاق افتد. شناخت تحریف حرکتی معکوس برای کشف تحریف است که در آن، محقق از عبارت تحریف شده، به عبارت صحیح می‌رسد. این حرکت معمولاً در یک روند منطقی و براساس قواعد مشخصی صورت می‌گیرد که با شناخت آن‌ها می‌توان چگونگی مسیر تحریف را شناسایی کرد. تحریف پنج گونه اصلی دارد: قلب، سقط، زیاده، تصحیف (یعنی تبدیل عنوان به عنوان مشابه و تبدیل عنوان به عنوان غیرمشابه) که این مقاله با ارائه و تحلیل برخی از تعلیقات، درصدد کشف قواعد حاکم بر شناخت تحریفات در این پنج گونه اصلی است.

گونه اول. قلب

قلب یا جابه‌جایی می‌تواند در حروف یک کلمه، در کلمات یک عبارت، در عبارت‌های یک متن، و یا در صفحات یک نسخه رخ دهد، در اسناد بیشتر قلب در حروف یا کلمات رخ می‌دهد.[2] نمونه‌ای از قلب در سند «احمد بن إدریس و محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمّد بن عیسی بن عبید، عن محمد بن سنان، عن حمزه بن الطیار، عن ابی عبد الله علیه‌السلام»[3] مشاهده می‌شود که آیة الله العظمی شبیری زنجانی بر آن دو حاشیه مرقوم داشته‌اند که در این جا به نقل و تحلیل آن می‌پردازیم.[4]

---

۱. لسان العرب، ذیل واژه حرف.

۲. می‌تواند به دلایلی همچون معکوس خواندن عبارت در هنگام مشاهده آن، اشتباه ذهن در هنگام املای درونی آن، اشتباه در هنگام انتقال واژه از مرحله ذهن به مرحله نسخه‌نگاری ... صورت گیرد (ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل تحریف و تصحیف).

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۲.

۴. ایشان در حاشیه این سند علاوه بر این حواشی، در نسخه خود به نقل این روایت از بصائر الدرجات و علل الشرائع و کمال الدین اشاره کرده‌اند که ازحوزه پژوهش ما برکنار است.

حاشیه اوّل

۱. المعهود روایة احمد بن محمد، عن محمد بن سنان بلا واسطة.

۲. و قد روی هذا الخبر عنه بلا واسطه بالرقم (۱).

۳. و لا یبعد وقوع التحریف فی السند.

۴. امّا روایة «احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن عیسی، عن محمد بن سنان» فی التهـذیب، ج۹، الرقم ۳۷۵، فالظاهر اَنّ «عن احمد بن محمد بن عیسی» زائدة لخلو بعض النسخ منها کما یعلم من الطبعة و لم تذکر فی نسخة السید الکرکی من التهذیب.

حاشیه دوم

۱. الظاهر انّ الصواب «محمّد بن احمد، عن محمد بن عیسی بن عبید».

۲. کما فی الطبعة القدیمه من (نع) [الغیبه للنعمانی].

۳. و قد اکثر «محمد بن احمد» من الروایة عن «محمد بن سنان» بواسطة «محمد بن عیسی بن عبید».

غالباً در شناخت تحریف واقع در سند، دو مرحله پیموده می‌شود: مرحله نخست، اثبات اصل وقوع تحریف. و مرحله دوم، کشف عبارت صحیح.[1] محقق، در مرحله نخست، گام‌های چندی برمی‌دارد؛ از جمله: مشاهده ناهمواری موجود در سند، و مقایسه روایت با اسناد دیگر برای یافتن تفاوت سند با اسناد معهود و شناخته شده و جستجوی ناهمواری در اسناد دیگر. در این نمونه «احمد بن محمد [بن عیسی]» از «محمد بن سنان» با واسطه نقل کرده؛ با این‌که «محمد بن سنان» از مشایخ «احمد بن محمد بن عیسی» بوده و «احمد بن محمد بن عیسی» در روایات پرشماری از وی حدیث نقل می‌کند.[2] این امر احتمال وقوع تحریف در سند را تقویت می‌کند. در مرحله مقایسه سند با دیگر اسانید و در حدیث شماره ۱، «احمد بن محمد» برخلاف سند فوق، از «محمد بن سنان» به گونه مستقیم وبدون واسطه روایت می‌کند و این امر بیان‌گر تحریف است[3].[4] گام بعدی برای تکمیل این نتیجه‌گیری، جستجو و کشف ناهمواری در اسناد مشابه است که شبیه این ناهمواری در سند التهذیب هم دیده می‌شود،[5] ولی

---

۱. که حاشیه اول در سند مزبور به مرحله نخست و حاشیه دوم به مرحله دوم اشاره دارد.

۲. حاشیه اوّل، بند ۱.

۳. حاشیه اوّل، بند ۲.

۴. حاشیه اول، بند ۳.

۵. همان‌طور که در بند ۴ از حاشیه دوم اشاره شد.

از آنجایی که نسخه‌های التهذیب یکسان نیستند، مثلاً در چاپ پیشین التهذیب ونسخه‌های خطی از آن، عبارت «عن احمد بن محمد بن عیسی» در سند ذکر شده است، ولی در برخی نسخ التهذیب این عبارت وجود ندارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت ناهمواری سند با حذف آن عبارت، برطرف می‌گردد.

در مرحله بعدی، ابتدا پژوهش‌گر در جستجوی دیگر، موارد وقوع این حدیث، به غیبت نعمانی می‌رسد که در چاپ سابق آن به جای «احمد بن محمد»، «محمد بن احمد» قرار دارد.[1] با توجه به این که قلب و جابه‌جایی نام‌ها در یک عنوان، به ویژه در نام‌های نزدیک به هم، همچون «احمد» و «محمد»، یک روند منطقی تحریف است، این احتمال در ذهن پدید می‌آید که عبارت صحیح: «محمد بن احمد» به جای «احمد بن محمد» باشد. با بررسی این احتمال، و با مراجعه به اسناد مشابه و وجود روایات فراوان «محمد بن احمد» از «محمد بن سنان» با واسطه «محمد بن عیسی بن عبید»، صحت «عبارت محمد بن احمد» اثبات می‌شود.[2]

با دقت در تحلیل بالا درمی‌یابیم که ترتیب گام‌هایی که محقق در مرحله پژوهش بر داشته همواره به آن شکلی نبوده که در مرحله تدوین، در قالب یک تعلیقه و یا مشابه آن، به نگارش در می‌آید و شیوه تدوین پژوهش ونظم‌دهی مراحل آن، به ذوق و سلیقه محقق بستگی دارد. لذا در این سند، هر چند در حاشیه نخست مراحل پژوهش وتدوین دقیقاً یک‌سان است، ولی در حاشیه دوم، نتیجه نهایی پژوهش در آغاز حاشیه درج شده و گام‌های آغازین پژوهش به دنبال نتیجه آمده است.

گونه دوم. سقط (= نقیصه)

سقط در سند با حذف یک یا چند نام از سند رخ می‌دهد.[3] یکی از موارد سقط سند «احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن حمران، عن الفضل بن السکن ...»[4] است. ایشان برای تبیین سقط در سند، دو حاشیه برآن مرقوم داشته، ابتدا کیفیت نقل این حدیث درکتاب التوحید را گزارش داده و در حاشیه دیگر آورده‌اند:

۱. لم أجد روایة «ابن عیسی، عن محمد بن حمران» بلا واسطه فی موضع.

---

۱. حاشیه دوم، بند ۲.

۲. حاشیه دوم، بند ۴.

۳. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل تحریف و تصحیف.

۴. الکافی، ج ۱، ص۸۵.

۲. و قد رواه فی التوحید مسنداً «عن احمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن ابی عمیر، عن محمد بن حمران».

۳. و «ابن عیسی» یروی کتاب «محمّد بن حمران بن اعین» به توسّط «ابن ابی عمیر» و «ابن ابی نجران».

۴. و لا ریب فی سقوط «عن محمّد بن ابی عمیر» من السند.

نخستین گام پژوهش، ملاحظه سند در کتاب التوحید است. در این سند بر خلاف کتاب الکافی، میان «احمد بن محمد بن عیسی» و «محمد بن حمران» نام «محمد بن ابی عمیر» وجود دارد.[1] بررسی اسناد مشابه نشان‌گر غرابت و ناهمگونی سند حدیث کتاب الکافی با سیر اسناد است؛ زیرا در هیچ موردی «احمد بن محمد بن عیسی» بدون واسطه از «محمد بن حمران» نقل حدیث نکرده است.[2] بنابراین سند مزبور در کتاب التوحید با دیگر اسناد حدیثی ناهماهنگ است، به ویژه این که بنا بر گزارش شیخ طوسی[3] در الفهرست «احمد بن محمد بن عیسی» کتاب «محمّد بن حمران بن اعین» را با واسطه دو شخص نقل می‌کند که یکی از آن‌ها «ابن ابی عمیر» است.[4] با این روش فرایند آسیب‌شناسی سند حدیث به انجام رسیده، و سقوط: «عن محمّد بن ابی عمیر» از سند حدیث آشکار می‌گردد.[5]

در تحلیل این تعلیقه نکاتی مورد توجه است. نخست، وجه تکیه بر گزارش شیخ طوسی در کتاب الفهرست درباره راویان کتاب «محمد بن حمران» آن است که در گذشته غالباً نقل احادیث از طریق نقل کتاب صورت می‌گرفته است. دوم، در این تعلیقه علّت سقوط عبارت: «عن محمد بن ابی عمیر» بیان نشده است و سبب این امر می‌تواند به مشابهت آن با «محمد بن حمران» بازگردد که موجب شده ذهن از «محمد»، قبل از «ابی عمیر»، به «محمد»، قبل از «بن حمران»[6] انتقال پیدا کند.[7]

---

۱. بند ۲.

۲. بند ۱.

۳. فهرست الطوسی، ص۴۱۸.

۴. بند ۳.

۵. بند ۴.

۶. این نکته را هم بیافزایم که این اظهار نظر ـ که روایت «احمد بن محمد بن عیسی» از «محمد بن حمران» بدون واسطه را نیافته‌ایم ـ با امکانات موجود در زمان نگارش تعلیقه بسیار دشوار بوده است و نشان می‌دهد که محشی برای نگارش یک تعلیقه کوتاه چه تلاش گسترده‌ای را بر خود هموار کرده است.

۷. در این مقاله با استفاده از نرم‌افزارهای حدیثی و رجالی، به ویژه مجموعه نرم‌افزارهای نور به راحتی به بازپژوهشی این مطلب پرداخته و درستی آن را به روشنی دریافتیم.

گونه سوم. زیاده

زیاده، افزودن کلمه یا عبارتی به سند است، که غالباً درباره عبارت‌های توضیحی اتفاق می‌افتد که در حاشیه سند نگاشته شده و سپس در اثر اشتباه ناسخان بعدی به متن اضافه می‌شود؛[1] مانند: «علی بن إبراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن یونس [بن عبد الرحمن]، عن ابی یعقوب إسحاق بن عبد الله، عن ابی عبد الله علیه‌السلام ...»[2] که محشی در توضیح وقوع زیاده در این سند، پس از تنبیه به عدم ذکر «بن عبد الرحمن» در پنج نسخه خطی، چند حاشیه به شرح زیر مرقوم داشته‌اند:

۱. الصواب هو النسخة االتی لم یذکر فیها «ابن عبد الرحمن».

۲. و المراد ب«یونس» هو «یونس بن یعقوب».

۳. و قد رواه الصدوق فی الامالی، ص۲۵۲، المجلس الخامس و الستین: «عن ابیه، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن یونس بن یعقوب، عن یعقوب بن اسحاق بن عبدالله، عن ابی عبدالله علیه‌السلام».

۴. و لم اجد مع کثرة الفحص روایة «ابن ابی عمیر، عن یونس بن عبد الرحمن» فی موضع.

۵. و امّا «یونس بن یعقوب» فله کتب یرویها «ابن ابی عمیر» کما فی الفهرست.

۶. و روی عنه فی عدة اسانید.

۷. و رواه فی البصائر (ص۵۳۷) بسندٍ آخر «عن یونس، عن ابی یعقوب إسحاق بن عبد الله».

تفاوت نسخ الکافی در وقوع «بن عبد الرحمن» و عدم آن در سند مزبور، سبب علم إجمالی به تحقق تحریف در برخی نسخ است، از این رو، در این سند امر دائر میان صحت نسخه مشتمل بر عبارت: «یونس بن عبد الرحمن» و وقوع سقط در نسخه «یونس»، و یا عکس آن است.

در بررسی این دو احتمال، پس از تتبع در سیر مصادری که در آن‌ها این حدیث نقل شده، صرف نظر از عدم وجود واژه «بن عبد الرحمن» در اکثر نسخ خطی، در الامالی شیخ صدوق روایتی را می‌یابیم که سند آن، از «علی بن ابراهیم» به بعد، همانند سند الکافی است؛ با این تفاوت که به جای «یونس بن عبد الرحمن» در آن «یونس بن یعقوب» واقع است.[3] این یافته

۱. ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل تحریف و تصحیف.

۲. الکافی، ج۱، ص۴۳، ح۸.

۳. بند ۳.

مؤید احتمال دوم، یعنی زیاده «بن عبد الرحمن» در سند الکافی است؛ علاوه بر این که مراد از «یونس»، «یونس بن یعقوب» است.

در ادامه، محقق پس از بررسی رابطه روایی «ابن ابی عمیر» با «یونس بن عبد الرحمن»، نتیجه می‌گیرد که چنین رابطه روایی وجود نداشته[1] و «ابن ابی عمیر» راوی «یونس بن یعقوب» است.[2، 3] از سوی دیگر، با مراجعه به اسناد، به روایت بسیار «ابن ابی عمیر» از «یونس بن یعقوب» برخورد کرده[4] و به این نتیجه می‌رسد که عبارت صحیح در الکافی نسخه‌ای است که در آن «بن عبد الرحمن» نیامده است[5] و مراد از«یونس» در سند الکافی «یونس بن یعقوب است».[6] البته در این تعلیقه محشی نکته‌ای در پایان افزوده شده که این روایت در بصائر با سند دیگری به نقل از «یونس» از «ابی یعقوب إسحاق بن عبد الله» نقل شده[7] که این امر تأییدی دیگر بر صحت نتیجه‌گیری فوق است.[8] به هر حال، گاه شیوه نگارش تعلیقه و ترتیب گام‌های پژوهشی پیموده شده بیان‌گر درجه ارزشی گزاره‌های رجالی مورد استناد را در نزد محقق است.

گونه چهارم. تبدیل به عنوان مشابه = تصحیف

یکی دیگر از موارد آسیب در اسناد، شباهت دو کلمه به یکدیگر است که سبب تبدیل یک لفظ به مشابه است؛[9] مثلاً در سند «... حماد بن عثمان، عن عمرو بن الاشعث، قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام ...»،[10] ایشان به نقل از برخی نسخ خطی تبدیل «عمرو» به «عمر» را ذکر کرده و افزوده‌اند:

---

۱. بند ۴.

۲. بند ۵.

۳. چنین پژوهشی نتیجه سال‌ها پژوهش بر روی اصحاب إجماع و نگارش مجموعه سترک اسناد اصحاب إجماع است که «ابن ابی عمیر» و «یونس بن عبد الرحمن» هردو در شماره اصحاب إجماع‌اند. تعبیر «کثرت فحص» در این بند از این پژوهش گسترده پرده برمی‌دارد.

۴. بند ۶.

۵. بند ۱.

۶. بند ۲.

۷. بند ۷.

۸. این که معظم له در این تعلیقه: و رواه فی البصائر بسندٍ آخر «عن یونس، عن ابی یعقوب إسحاق بن عبد الله» در آورده بند ۷ در پایان آورده‌اند، ممکن است به این مطلب بازگردد که یا ایشان به این نکته پس از نگارش تعلیقه برخورد کرده‌اند، و یا چون سند بصائر از طریق دیگر از «یونس» نقل شده، ایشان ترجیح داده‌اند که آن را به عنوان مؤید در پایان تعلیقه بیفزایند؛ نه به عنوان دلیل و در ضمن استدلال اصلی بر ترجیح نسخه «یوس» بر نسخه «یونس بن عبد الرحمن».

۹. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل «تحریف و تصحیف».

۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۲.

۱. الظاهر انّ الصواب هو «عمرو» بالواو.
۲. فقد عد الشیخ هذا العنوان فی اصحاب الصادق علیه‌السلام علی ما فی اکثر نسخة، ویقتضیه سیاقه.
۳. و هکذا عده البرقی فی رجاله.
۴. و ورد فی عدة من الاسانید.
۵. و لم یثبت روایة «عمر بن الاشعث» فی موضع.

اختلاف نسخه درباره نام راوی ابتدا به نادرستی یکی از دو نسخه «عمر» و «عمرو» علم اجمالی ایجاد کرده است، و چون راوی مورد پژوهش از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند، در روند یافتن عبارت صحیح، محقق به کتب رجالی[1] از جمله رجال الطوسی به اختلاف نسخه در عنوان «عمرو بن اشعث» برخورد کرده، ولی از آنجایی که در اکثر نسخ کتاب رجال الطوسی، نام راوی را به شکل «عمرو» با واو درج شده است و «عمرو» نیز در عداد راویان شمرده شده، صحت «عمرو» را نتیجه می‌گیرد.[2] از سوی دیگر، پس از مراجعه به اسناد دیگر و وجود «عمرو بن اشعث» در پاره‌ای از آن‌ها[3] و عدم ثبوت روایت «عمر بن اشعث»،[4] به صحت نسخه «عمرو بن اشعث» و مصحّف بودن نسخه «عمر بن اشعث» حکم می‌کند.[5]

گونه پنجم. تبدیل به عنوان غیر مشابه

یکی دیگر از تحریفات، تبدیل یک عنوان به عنوان دیگری است که بین آن‌ها شباهت در کتابت یا در شیوه تلفظ وجود ندارد.[6] یکی از مصادیق آن، تبدیل (واو) به (عن) است.[7] نمونه‌ای از این مورد در سند «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، و محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً، عن ابن محبوب، عن ابی اسامه، عن هشام بن سالم، عن ابی حمزه، عن ابی إسحاق السبیعی، عمن حدّثه ممن یوثق به، قال: سمعت امیر المؤمنین علیه‌السلام ...»[8] به چشم می‌خورد.

۱. از جمله رجال الطوسی و رجال البرقی (بند ۲ و ۳).
۲. بند ۲.
۳. بند۴.
۴. بند ۵.
۵. بتد ۱.
۶. ر. ک: دانشنامه جهان اسلام، مدخل «تصحیف و تحریف».
۷. با توجه به نگارش (عن) در زمان‌های پیشین به شکلی شبیه (واو) این نوع از تصحیف اتفاق می‌افتد.
۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱.

در این سند تحویل رخ داده و مرحوم کلینی با دو سند از «ابن محبوب» نقل می‌کند:
سند اول: «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن ابن محبوب».
و سند دوم: «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن ابن محبوب».
معظم له بر عبارت «عن هشام بن سالم» این تعلیقه را مرقوم داشته‌اند:

۱. یاتی روایة «ابی اسامه، عن هشام» فی ص۳۲۵.

۲. لکن «هشام بن سالم» من مشایخ «ابن محبوب» و قد اکثر من الروایة عنه.

۳. و لا یبعد کون الصواب: «و هشام بن سالم» فی الموضعین.

۴. و قد روی الخبر الآتی «ابن محبوب، عن هشام بن سالم» بلا واسطه علی ما فی طریق آخر للخبر.

۵. و روی صدره فی ذیل خبر «عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم» فی ص۳۳۹.

۶. و یاتی السند الاوّل معطوفاً «هشام بن سالم» علی «ابی اسامه» فی ص۱۷۸.

شایان ذکر است در سند ص۳۲۵ «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن ابن محبوب، عن ابی اسامه [عن هشام، و محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن محبوب]، عن هشام بن سالم، عن ابی حمزه، عن ابی إسحاق، قال: حدّثنی الثقه من اصحاب امیر المؤمنین علیه‌السلام انهم سمعوا امیر المؤمنین علیه‌السلام یقول فی خطبه له ...» عبارت داخل گیومه [ ]، عبارتی است که از نسخه چاپی افتاده و محشی با توجه به نه نسخه خطی معتبر این عبارت را به سند افزوده‌اند و در حاشیه «عن هشام»، بعد از «ابی اسامه»، مرقوم داشته‌اند:

لا یبعد کون الصواب «و هشام»، انظر ما کتبناه علی هامش ص۳۳.

این پژوهش با مشاهده ناهمگونی با اسناد شناخته شده «ابن محبوب» آغاز شده است؛ به طوری که در این سند بین «ابن محبوب» و شیخ وی «هشام بن سالم» ـ که «ابن محبوب» در موارد بسیاری از او روایت می‌کند ـ «ابو اسامه» واسطه شده است[1] که خود نیازمند تأمل و دقت است. مرحله دوم برای کشف عبارت صحیح، پی بردن به رابطه روایی «ابن محبوب» و «هشام بن سالم» است.[2] از این رو، محقق به جستجو در اسناد مشابه پرداخته و به وجود چنین ناهمواری در ص۳۳۵ می‌رسد[3] که بین «حسن بن محبوب» و «هشام بن سالم»، «ابو

۱. بند ۲.
۲. با مراجعه به مجموعه‌ای که معظم له اسناد اصحاب إجماع، از جمله «ابن محبوب» را مرتب ساخته و مشایخ و شاگردان آن‌ها را مشخّص نموده‌اند.
۳. بند ۱.

اسامه» واسطه شده است. با تأمل بر این دو حدیث، به صورت همزمان مشخص می‌شود که سند دیگر حدیث دوم به گونه‌ای است که با اسناد شناخته شده سازگاری دارد، و در آن، «ابن محبوب» بدون واسطه از «هشام بن سالم» روایت می‌کند.[1] همچنین قطعه آغازین حدیث دوم در سندی دیگر به همین شکل بوده است.[2] این دو نکته قرینه گویایی بر اصل وقوع تحریف در سند دو حدیث مورد بحث است؛ اما این که چه گونه‌ای از تحریف در سند این دو رخ نموده و اصل سندها به چه شکل بوده مرحله بعدی پژوهش است. از آن جایی که در سند اول این دو حدیث، در موارد مشابه، «هشام بن سالم» بر«اسامه» عطف شده[3] می‌توان نتیجه گرفت سند دو حدیث مورد بحث نیز چنین بوده است، و در این صورت، این سند با اسناد شناخته شده سازگار می‌گردد.

مواردی که تاکنون ذکر شد، اصل تحریف ونوع تحریف قابل تشخیص است، ولی گاه در یک سند اصل تحریف با قرینه آشکار اثبات می‌گردد، ولی این که در سند چگونه تحریف رخ داده، مورد تردید است که دو یا چند راه حل برای حل إشکال سند وجود دارد؛[4] مثلاً در سند: «محمد بن عیسی، عن یونس، عن حماد، عن عبد الله بن سنان، عن ابی الجارود»، محشّی بر عبارت «عن حماد» چنین مرقوم داشته‌اند:

۱. توسط «حماد» فی السند غریب لم یعهد مثله.

۲. و قد اکثر «یونس» من الروایة عن «عبد الله بن سنان».

۳. و رواه فی المحاسن، ص۲۶۹ بسند آخر: «عن یونس بن عبد الرحمن عن عبد الله بن سنان».

۴. و رواه المصنف فی ج ۵، ص ۳۰۰ بالسند المذکور هنا و سند آخر: «عن یونس عن عبد الله بن سنان و ابن مسکان، عن ابی الجارود».

۵. فلفظة «عن حماد» إمّا زائدة.

۶. منشأها ثبوته فی السند المشابه لهذا السند المتقدم بلا فصل.

۷. او انّه تحریف «وحماد» بالعطف.

۸. و قد اکثر «محمد بن عیسی» من الروایه عن «حماد بن عیسی»، او«حماد» مجرداً و روی «حماد بن عیسی، عن عبد الله بن سنان او ابن سنان» فی مواضع.

---

۱. بند ۴.

۲. بند ۵.

۳. بند ۶.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۶۰، ح ۵.

در این سند دو نفر از اصحاب اجماع واقع‌اند: «یونس بن عبد الرحمن» و«حماد» که مراد از آن مردد بین «حماد بن عیسی» و «حماد بن عثمان» است، و از آن جایی که این دو نفر هر دو از اصحاب اجماع‌اند، لذا غریب بودن وقوع «حماد» در این سند[1] و روایت بسیار «یونس» از «عبد الله بن سنان»[2] را به سهولت می‌توان دریافت.[3] برای برطرف ساختن غرابت این سند پس از مراجعه به دیگر منابع یعنی المحاسن[4] و یا همان کتاب الکافی[5]، اصل وقوع تحریف در این سند آشکار می‌گردد.[6] پس از کشف اصل وقوع تحریف در سند، پژوهشگر در صدد یافتن اصل عبارت صحیح بر می‌آید و با بهره‌گیری از اصول تحریف و شناخت روند وقوع تحریف به طور کلی و تطبیق این اصول و قواعد بر احتمال مورد بحث صحت و سقم هر احتمالی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این جا دو احتمال در اصل سند مطرح است؛ احتمال اوّل: زائد بودن «عن حماد» در سند[7]، احتمال دوّم: محرّف بودن «عن» قبل از «حماد» و درستی «واو» به جای آن.[8].درباره هر احتمال دو مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرد: نخست امکان منطقی احتمال، و سپس قراین اثبات کننده آن.که احتمال دوم، با توجه به طبیعی بودن تبدیل«واو» به «عن» امکان‌پذیر است، چرا که اسناد الکافی معمولاً به صورت عنعنه بوده و در هر طبقه نام یک راوی واقع می‌شود. وقوع نام دو راوی در یک طبقه بر خلاف معمول اسناد بوده و قاعده اصلی باب تحریف که بر اساس تبدیل نامأنوس به مأنوس است، امکان تبدیل «واو» به «عن» را به روشنی توجیه می‌کند.ولی امکان احتمال اول یعنی زیاده «عن حماد» به این روشنی نیست و نیازمند توجیه است.[9] مشاهده «عن حماد» در سندی که بلا فاصله قبل از

---

۱. بند ۱.
۲. بند ۲.
۳. با مراجعه به مجموعه اسناد اصحاب اجماع و مشایخ و شاگردان آن‌ها.
۴. بند ۳.
۵. بند ۴.
۶. گفتنی است که یک ترتیب منطقی بین این دو گام پژوهشی (یعنی درک غرابت سند وتفاوت سند این حدیث در این‌جا با جاهای دیگر) وجود ندارد وممکن است آغاز حرکت پژوهش مثلاً از مشاهده سند این روایت در المحاسن مثلاً باشد که محشی در تعلیقه‌ای دیگر نیز به کیفیت سند آن اشاره کرده‌اند، و مشاهده غرابت سند گام دوم پژوهش باشد وممکن است حرکت پژوهشی از دریافت غرابت سند آغاز شده و با جستجو در سایر موارد وقوع حدیث ادامه یافته باشد.
۷. بند ۵.
۸. بند ۷.
۹. بند ۶.

این سند واقع شده، توجیه‌گر مناسبی برای احتمال زیاده «عن حماد» در این سند است. گفتنی است که زائد شدن عبارت «عن حماد» به دو شکل ممکن است که هر دو با قواعد تحریف سازگار است. یکی آن‌که انس ذهن ناسخ با عبارت «عن حماد» که از مشاهده سند پیشین ناشی شده منشأ زیادتی این عبارت باشد.گونه دیگر این که عبارت «عن حماد» از سند پیشین در برخی نسخه‌ها افتاده بوده و در حاشیه نسخه نگاشته شده و ناسخ متأخر به گمان این که این عبارت از سند افتاده، آن را در این سند وارد کرده باشد.

حال این سؤال مطرح است که دو احتمال فوق چگونه به ذهن محشی خطور کرده است؟ خطور احتمال نخست یعنی زیادتی «عن حماد» با توجه به دیگر روایات، طبیعی است. ولی این که احتمال دوم چگونه به ذهن خطور کرده و چگونه این احتمال مشکل ناهمخوانی سند را با دیگر اسناد برطرف می سازد نیازمند توضیح است. لذا در بند پایانی تعلیقه اشاره شده که «محمد بن عیسی» از «حماد بن عیسی» به گونه مستقیم و بدون واسطه «حماد بن عیسی» فراوان روایت دارد و «حماد» در این سند هم می تواند «حماد بن عیسی» باشد که از «عبدالله بن سنان» بسیار روایت دارد. و این دو توجیه‌گر شایسته‌ای برای احتمال دوم است. در مجموع هر دو احتمال در این سند از شایستگی لازم جهت توجیه این سند برخوردارند و ترجیح یکی از آن‌ها بر دیگری دشوار است.

در پایان به ذکر نمونه دیگری از تعلیقات مربوط به تحریف و تحلیل آن می پردازیم:

احمد بن ادریس، عن الحسین بن عبدالله الصغیر، عن محمد بن ابراهیم الجعفری، عن أحمد بن علی بن محمد بن عبدالله بن عمربن علی بن أبی طالب، عن أبی عبدالله علیه‌السلام.[1]

محشی در حاشیه سند مزبور به برخی نسخ خطی اشاره کرده‌اند که در آن‌ها در عبارت «أحمد بن علی بن محمد بن» به جای «بن» در «علی بن» کلمه «عن» وجود دارد. ایشان در حاشیه «عبدالله بن عمر» نیز مرقوم داشته که:

۱. اعقب «عمربن علی» ب من رجل واحد وهو ابنه«محمّد».

۲. فعلیه فیحتمل سقوط «بن محمّد» .قبل «عمر».

۳. و «علی بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر» یلقب «المشطب» توفی سنة ۲۱۶ و ذکر فی عمدة الطالب، اواخر ۳۵۸.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۹.

۴. لکن لم أجد «أحمد ابن المشطب» فی مورد.

۵. و فی أنساب أبی الحسن الشریف، ص۴۲، س۴، بعد ذکر علی هذا: علی نسله «محمد».

۶. و علی أی تقدیر فروایة «ابن علی» المتوفی ۲۱۶، «عن أبی عبدالله علیه‌السلام» بلا واسطة بعیدة.

۷. و «القاسم بن جعفر» الملک، و «جعفر» هو أخو «علی» المذکور، کان حیاً فی ۳۱۱.

۸. و هذا یؤید نسخة «عن» بعد «علی».

۹. و «محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن أبی طالب علیه‌السلام» یروی عن «جعفر بن محمد علیه‌السلام» کما فی «جش» [رجال النجاشی].

اختلاف نسخه در عبارت «محمد بن عبدالله» نشان می‌دهد که در یکی از نسخ تحریف رخ داده است، و از آن جایی که راوی از سادات بوده، برای تعیین نسخه صحیح از نسخه محرّف، مناسب‌ترین مصدر، کتب انساب سادات است[1] که مهم‌ترین آن‌ها کتاب عمدة الطالب است. در تنظیم این کتاب درباره فرزندان «حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام» نخست نام فرزندان آورده شده، سپس بر اساس هر نام، فرزندان وی و نیز عقب‌دار بودن و عقب‌دار نبودن هر یک از فرزندان و نیز سادات هر سلسله دنبال شده است. لذا در این‌جا به قسمتی از کتاب انساب مراجعه می‌شود که درباره فرزندان «عمر بن علی بن ابی طالب» است. نخستین مطلب قابل تأمل درباره این سند این است که در کتب نسب فرزند عقب‌دار «عمر بن علی بن أبی طالب» منحصر در فرزند وی «محمّد» دانسته شده است؛[2] در حالی که در عنوان راوی مورد نظر «عبدالله بن عمر» دیده می‌شود. لذا این احتمال به ذهن می‌آید که در این‌جا «بن محمد» از سلسله نسب این راوی افتاده باشد.[3] با افزودن این نام به سلسله نسب «علی بن محمد بن عبدالله» مشکل عنوان برطرف می‌شود؛ چراکه نام این شخص در عمدة الطالب ذکر شده و تاریخ وفات این شخص هم در دسترس است.[4] ولی مسئله این است که برای «علی بن محمد بن عبدالله»، فرزندی به نام «احمد» ذکر نشده است،[5] بلکه ظاهر عبارت انساب ابی الحسن شریف این است که نسل «علی بن محمد»، در فرزند وی «محمد» بوده است[6] که می تواند از

---

۱. در زمان نگارش تعلیقه اکثر این کتاب‌ها به چاپ نرسیده بود.

۲. بند ۱.

۳. بند ۲.

۴. بند ۳.

۵. بند ۴.

۶. لازم به ذکر است که انساب ابی الحسن شریف هنوز چاپ نشده است، و نسخه‌ای خطی از این کتاب نسب که ←

آن برداشت شود که «علی بن محمد» فرزندی به نام «احمد» نداشته است. البته صحت این برداشت وابسته به نحوه تفسیر ما از کلمه نسل است. اگر مراد از نسل، مطلق فرزند باشد، تفسیر فوق بجا است؛ ولی اگر مراد فرزند عقب‌دار باشد، این تفسیر نابجا است. نکته دیگر، این که سقط «محمد» از سند با مشکل دیگری رو به روست و آن، این که راوی مورد نظر، بنا بر این احتمال، فرزند کسی است که وفات وی در سال ۲۱۶ یعنی ۷۲ سال پس از وفات امام صادق علیه‌السلام رخ داده اشت. روشن است که روایت مستقیم فرزند چنین کسی از امام صادق علیه‌السلام بعید است.[۱] در تکمیل این اشکال، پس از جستجوی تاریخ وفات دیگر وابستگان راوی مزبور، مشخص می‌شود پسرعموی او در سال ۳۱۱ زنده بوده است.[۲] لذا اشکال بعید بودن روایت آن راوی از «امام صادق علیه‌السلام» دو چندان می‌گردد و برای حل این اشکال لازم است به اختلاف نسخه‌های کتاب در عنوان راوی مراجعه شود و معلوم می‌شود مشکل حل ناشدنی این سند بر اساس نسخه چاپی است، امّا اگر به جای «بن» بعد از «علی» در این عنوان، «عن» گذاشته شود، این مشکل حل شده؛ چرا که «محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن أبی طالب» به تصریح نجاشی در کتاب الرجال خود از اصحاب امام صادق علیه‌السلام است[۳] و از جهت طبقه نیز مشکلی در این زمینه وجود دارد.

گفتنی است که ایشان به طور قاطع به صحّت نسخه «عن» حکم نکرده، بلکه تنها با عبارت «یؤیّد»، ترجیح این نسخه را یادآور شده‌اند.[۴] این امر از آن جهت است که اکثر نسخه‌های الکافی موافق نسخه چاپی بوده و جایگزینی «بن» به «عن» از جهت اکثریت نسخه‌های خطی قابل تأیید نیست.[۵]

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیشین، فرآیند کشف آسیب اسناد روایات، با مشاهده اختلاف نسخ خطی در یک سند، یا تفاوت سند با مصادر دیگری که روایت مزبور را نقل کرده‌اند، و یا

← به شیوه مشجّره نگارش یافته، به دست مرحوم آیت الله جد□ با دقت و حوصله بسیار نگاشته شده است و نشانی تعلیقه فوق به این نسخه خطی است.

۱. بند ۶.

۲. بند۷.

۳. بند ۹.

۴. بند ۸.

۵. تعلیقات مبسوط معظم له دریایی از اطلاعات است و آمیزه خیره‌کننده‌ای از تلفیق روش‌های متنوع برای رسیدن به یک هدف واحد که همان کشف تحریفات در اسناد است.

مشاهده غرابت سند و تفاوت معنا دار آن با اسناد دیگر، آغاز می‌شود.

نتیجه ناهمگونی نسخ در سند حدیث سبب علم اجمالی به وقوع تحریف است، و پیامد تفاوت سند با سیر مصادر نیز هرچند لزوماً سبب علم اجمالی به رخ داد تحریف در سند نیست، ولی چنانچه یکی از دو کتاب مأخذ کتاب دیگر در نقل حدیث باشد، این تفاوت غالباً منجر به وقوع علم اجمالی به تحریف خواهد شد، و امّا مشاهده غرابت در سند تنها احتمال تحریف را به دنبال دارد.

پس از حصول علم یا احتمال تحریف در سند، با بررسی طبقات راویان حدیث می‌توان تا حدود زیادی به عبارت صحیح دست یافت؛ چنان‌که فرایند آن مشروحاً در متن مقاله آمده است.

شایان ذکر است که جهت تسریع در کشف آسیب اسناد لازم است مسیر پژوهش و کتب مورد مراجعه به نحو صحیح انتخاب شود، و در این راستا شناخت مضمون حدیث و مورد اشکال در سند، در انتخاب مسیر تحقیق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ مثلاً چنانچه موضوع حدیث بیان مقامات ائمه باشد، قطعاً بهره‌گیری از کتاب بصائر الدرجات ـ که یکی از منابع اصلی کتاب الکافی درباره این گونه مباحث است ـ سودمند خواهد بود. و چنانچه اشکال و ابهام در نام یکی از راویان یا اصحاب امامان علیهم‌السلام باشد، می‌توان به کتب موضوعه به اصحاب امامان علیهم‌السلام همچون رجال الطوسی و رجال البرقی، و در درجه بعد به سیر کتب رجالی و اسناد روایات مراجعه نمود، و هرگاه ابهام در نام یکی از سادات رخ دهد، منبع اصلی تحقق کتب انساب سادات است.

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که برای دست‌یابی به نتیجه صحیح در جریان پژوهش لازم است أوّلاً از سرعت و بی‌پروایی در اظهار نظر به شدت پرهیز شود، و ثانیاً با دقت نظر و سعه صدر به هر یک از احتمالات مطروحه در بحث توجه کافی مبذول شده، و سپس هر یک از آن‌ها را با قواعد تحریف محک زده، ومؤیدات و مضعّفات آن‌ها با حوصله گردآوری شوند،. در شیوه ارائه نتیجه نیز باید دقت کرد تا دلیل از مؤیّد، نتیجه‌گیری قطعی از استظهار، و این هر دو از ترجیح ظنی یک احتمال بر احتمال دیگر جداسازی شوند.

کتابنامه

ـ أمل الامل، محمد بن حسن حر عاملی، مصحح: احمد حسینی، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۳۶۲ق.

- تجرید أسانید الکافی و تنقیحُها، سید حسین طباطبایی بروجردی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ق.
- دانشنامه جهان اسلام، جمعی از مؤلفان، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، از سال ۱۳۶۲ش.
- رجال ابن داوود، حسن بن علی بن داود حلی (ق ۸)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- رجال علامه حلی، ابومنصور جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهّر حلّی (م ۷۲۶ق)، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ق)، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۷ش/ ۱۴۳۰ق.
- کتاب الکترونیکی هوش مصنوعی، ترجمه: سهراب جلوه‌گر.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن‌منظور (۶۳۰ ـ ۷۱۱ق)، بیروت: دار بیروت، ۱۳۷۵ق.
- منتقی الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان، حسن بن زین‌الدین(شهید ثانی)، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسة نشر إسلامی، ۱۳۶۲ش.